

بسم الله الرحمن الرحيم  
اللهم صلّ على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

سلام خدا بر فاطمه و پدرش، پيامبر مهرباني،  
سلام خدا بر فاطمه و بر همسرش اميرمومنان،  
سلام خدا بر فاطمه و فرزندان‌ش پيشوايان راه حق.  
سلام مادر باران سلام عطر نسيم  
سلام روضه‌ي رضوان، سلام خُلق عظيم

اين شېها همزمان با سالگرد شهادت حضرت زهرا (س) است. به همين مناسبت، مي‌خواهم چند دقيقه‌ي کوتاه در مورد ايشان صحبت کنم و توضيح بدهم که چرا ما هر ساله براي ايشان مجلس عزاداري مي‌گيريم و ايشان را ياد مي‌کنيم؟ همه مي‌دانيم که حضرت فاطمه زهرا - سلام الله عليها - بانوي محبوب و برگزيده‌ي خدا، مدت کوتاهی در اين دنيا، زندگي کردند و در جواني از دنيا رفتند. اما ايشان در همين عمر نسبتاً کوتاه، لحظه لحظه براي خدا زيستند. بزرگترين افتخار ايشان در زندگي، بندگي خدا بود و کوچکترين گناه يا ظلمي از ايشان سرنزد. ايشان از خدا مي‌خواستند: [اللَّهُمَّ اسْتَعْمِلْنِي لِمَا خَلَقْتَنِي لَهُ] خدايا مرا در راه بندگي، که براي آن مرا خلق کرده‌اي، به کار بگير .

آن بانوي بزرگ اينگونه زيستند. هرگز از حق و حقيقت پا پس نکشيدند و براي به دست آوردن رضايت خداوند، تمام عمر خود را صرف کردند .

يکي از مهمترين کارهاي ايشان اين بود که حقيقت را به مردم نشان دادند و براي زنده نگاه داشتن دين خدا و عدل و براي نابودي ظلم، رنج‌هاي بسياري را به جان خريدند. متأسفانه ميزان رنج‌هايي که از طرف ظالمان بر ايشان وارد شد، صدماتي که به ايشان زده شد، به قدری فراوان بود که سبب جان باختن ايشان شد و اين بانوي مهربان مظلومانه، کشته شدند. شنيدن اين ماجرا گرچه تلخ و ناراحت کننده است، اما مهم است چون بحث حق و حقيقت است. نميشود فرض کرد کساني خدا و بندگان برگزيده و آزاده‌ي او را دوست داشته باشند و براي ايشان آگاهي و حقيقت مهم باشد، نميشود فرض کرد کساني عدل دوست باشند و از باطل و ستم و فريب بيزار باشند، اما فداکاري بزرگ اين بانوي مظلوم، براي ايشان مهم نباشد و باعث اندوهشان نشود.

مجلس روضه‌اي که به پا مي‌کنيم، حتی همين مجلس کوچک ما، بهانه‌اي است براي اين که نام و ياد حضرت فاطمه را زنده نگاه داريم. اين مجلس‌ها فرصتي است براي يادآوري کردن ايتار و از خودگذشتگي بزرگ ايشان در راه خدا و حق و عدل . ما با يادآوري کردن مصيبتها و ظلم‌هايي که آن بانوي مظلوم در راه خداديدند، با عزاداري کردن و گريه کردن براي کشته شدن غريبان‌ه‌ي ايشان، وظيفه‌ي وجداني خودمان را انجام مي‌دهيم، کاري که وظيفه‌ي هر انسان خدا دوست و حق جو و عدالت طلب است.

در پايان، چند درخواست از خدای مهربان داشته باشيم:

❁ خدايا کمکمان کن که ما هم لحظات عمرمان را صرف راه تو کنيم ❁ خدايا ياريمان کن که ما هم از حقيقت هيچ گاه فاصله نگيريم

❁ خدايا سلام ما را خدمت آن بانوي بهشتي برسان ❁ خدايا دعای خير آن بانوي مظلوم را همراه ما کن

❁ خدايا ظهور منتقم حضرت زهرا را زوتر برسان

يا فاطمه!

يا برايتم گمي قلم بزئم	نتوانستم از تو دم بزئم
در غزل هاي تان قدم بزئم	مي شود باز هم اجازه دهيد
مي شود شهر را به هم بزئم	که اگر ياري ام کند چشمتم
حرفي از ماجراي غم بزئم	که اگر آسمان تحمل کرد
خيمه روضه در حرم بزئم	دوست دارم که با غمت بانو

حرم اما نداشتي مادر

داغ بر دل گذاشتي مادر

بغض جا مانده در صدايت را	چه کنم وصف ماجرايت را
آيه در آيه غصه هائت را	چه کنم واژه ها چه مي فهمند
آسمان، خاک زير پايت را	غافل از اينکه توتيا کرده است
مزد يک کهکشانش دعايت را	خوب همسايه هاي تان دادند
داشت از بس پدر، هوايت را	عرش هم غبطه خورد بر حالت

تا پدر بود احترامی بود

لااقل پاسخ سلامی بود

يک بغل غصه ريخت در جانت	از زماني که رفت مهمانت
رفت از آسمان چشمانت	پدريت در غروب دلگيري
بوي فردوس از گريبانتم	رفت پيغمبري که حس مي کرد
عطر بابا گرفته قرآنت	بين سجاده اشک مي باري
گريه کم کن جهان به قربانت	عرش را تاب گريه هائت نيست

گريه کم کن کهه ابتدای غم است

تازه آغاز ماجراي غم است

بغض عالم شکست و باران شد	ناگهان آسمان هراسان شد
خارج از آستين ايمان شد	دست پنهان کفر، بعد پدر
کوچه ها غرق نامسلمان شد	کينه از سينه ها زبانه گرفت
هتک حرمت به جان قرآن شد	آتش آمد کنار خانه وحی

آن صدایی که پشت اين در بود

به خدا آيه های کوثر بود